

عنوان مقاله:

فمینیسم و رمانتیسم

محل انتشار:

فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره 3، شماره 2 (سال: 1384)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

مرتضی مردیها

خلاصه مقاله:

فمینیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی برای دفاع از حقوق زنان، یا آنچه این پنداشته شده، عموماً به مکاتب و جریان های مسلط فکری هم عصر خود متکی بوده است. موارد مشهور آن تاثیر پذیری موج اول از "لیبرالیسم" و موج دوم از "چپ جدید" است. اما موارد باریکتری هم وجود دارد که در عین اهمیت داشتن، کمتر به چشم می آید. بورژوازی مدرن که خود متکی به ارزش های برابری و آزادی بود، حاضر نبود این ارزش ها را به حوزه زنان تسری دهد، و این در میان جنبش زنان، نوعی سرخوردگی ایجاد می کرد. اوجگیری گرایش هنری - فلسفی رمانتیک که خود را در تعارض با ارزش های روشنگری چون "عقلانیت" و "پیشرفت" تعریف می کرد، باعث شد که برخی از فمینیست ها، به آن به عنوان یک راه حل نگاه کنند. رمانتیسم، "احساس" را می ستود و "گذشته" را بزرگ می داشت، و این مبنای الهامی شد برای برخی فمینیست ها که به جای تلاش برای اثبات تساوی قدرت عقلی زنان و مردان و ضرورت حرکت زنان پا به پای مردان، بر اهمیت احساس زنانه و برتری آن تاکید کنند، و نیز فرضیه وجود گذشته ای طلایی به نام عصر مدرسالاری را جدی بگیرند، و در پی تجدید حیات آن باشند. به نظر می رسد رمانتیسم گرچه به عنوان یک واکنش در مقابل مصائب عقلانیت و توسعه مدرن قابل درک است، اما راه حل مشکلات دنیای جدید نبود؛ همین دآوری در مورد فمینیسم الهام گرفته از آن هم صادق است.

کلمات کلیدی:

رمانتیسم، روشنگری، زنان، فمینیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1793279>

